

اصناف و پیشه‌وران در سده‌های نخستین اسلامی در ایران

فاطمه اروجی

عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تبریز

forouji@tabrizu.ac.ir

چکیده: نخستین تشکیلات اصناف و پیشه‌وران در تاریخ ایران پس از اسلام در قالب تشکیلات و ترتیبات گروه‌هایی مانند عیاران و جوانمردان بود. در این دوران اهل فتوت، عیاران و جوانمردان دارای تشکیلات، ترتیبات و الگوهای پذیرفته شده‌ای بودند که از آن تبعیت می‌کردند و در کنار حرفه و پیشه خود به رفع مظالم و ستم‌های موجود در جامعه و دستگیری از ضعفا و تهیدستان می‌پرداختند.

همزمان با رشد و گسترش شهرنشینی و برقراری ثبات و آرامش نسبی از سدهٔ ۳ق/ ۹م در بخش‌های مختلف ایران، صنعت، تجارت و بازرگانی رشد و گسترش یافت و در این میان، حرفه‌ها و پیشه‌های متعددی در جامعه پدیدار شد. در این دوران از سویی با نظارت حکومتی، و از سوی دیگر با تدوین برنامه‌ها و رسالتی چند از سوی نویسندگان و صاحب نظران دربارهٔ اهل حِرَف، صنعت و تجارت در میان گروه‌های اصناف و پیشه‌وران به تدریج تشکیلات و ترتیباتی پدید آمد. و با توجه به پیشینهٔ ارتباط میان اهل حرف و پیشه با گروه‌هایی مانند عیاران، و همچنین با ایجاد و پدید آمدن گروه‌ها و تشکیلات اجتماعی و سیاسی دیگر در جامعه و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، ترتیبات و تشکیلات اصناف و پیشه‌وران به تدریج گسترش یافت و با گذشت زمان صورت کامل‌تری به خود گرفت. به طوری که از منابع و نوشته‌های آن دوران بر می‌آید، از حرفه‌ها و پیشه‌های زیر می‌توان نام برد: سفال‌گری، فلزکاری، شیشه‌گری، نساجی، کاغذ سازی، خوشنویسی و جز آن.

اهل حرف و مشاغل در تحولات و دگرگونی‌های زمان خود نقش مهم و بسزایی را ایفا می‌کردند و در زنده نگاه داشتن آیین‌ها و سنت‌های ملی ایران، مانند جشن‌های سده، مهرگان و نوروز هم نقش بسیار مهمی را بر عهده داشتند. گروه‌هایی از اصناف و پیشه‌وران با داخل شدن در انجمن‌ها و تشکیلاتی مانند اخوان الصفا و اسماعیلیه در دوره‌های بعد، بر مسائل و جریان‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تأثیر بسیاری گذاردند. و درست به دلیل نفوذشان در انجمن اخوان الصفا بود که از ۵۱ رسالهٔ ایشان، یک رساله به مسائل و مباحث اهل حرف و پیشه اختصاص یافته است. زمینه‌های شکل گرفتن اصناف و عملکرد اجتماعی و فرهنگی آن‌ها در دوران مورد بحث، از رویکردهای مهم این نوشتار است.

مقدمه: بررسی و پژوهش دربارهٔ اصناف و پیشه‌وران در دورهٔ نخستین دولت‌های حاکم بر ایران پس از اسلام کار آسانی نیست، و به بررسی و تحقیق همه جانبه و گسترده‌ای نیاز دارد. در بررسی و پژوهش پیرامون اصناف و پیشه‌وران در دوران مورد بحث، نخست باید به پیشینهٔ آن در ایران باستان پرداخت. بر پایهٔ یافته‌های پژوهشگران، در دورهٔ ساسانیان، با گروه‌هایی از اصناف و پیشه‌وران، فعالیت‌ها، عملکردها، سازمان‌ها و تشکل‌های آن‌ها مواجه هستیم. فرمانروایان آن سلسله حتی در بعضی از دوره‌ها، بر عملکردها و سازمان‌ها و تشکل‌های آن‌ها نظارت داشتند. ارتباط و پیوستگی میان اصناف و پیشه وران از یک سو، و ارتباط میان آن‌ها و گروه‌ها و سازمان‌های دیگر جامعهٔ آن روزگار، از جمله اسماعیلیان و اخوان الصفا، از سوی دیگر، موجب طرح این مسئله از سوی بعضی پژوهشگران گردیده است که اسماعیلیان و اخوان الصفا و تشکیلات آن‌ها را موجب ایجاد اصناف و پیشه‌وران در تاریخ اسلام بدانند. تأثیر این گروه‌ها و سازمان‌ها در تشکیلات، ترتیبات و سازمان‌های اصناف و پیشه‌وران از خلال منابع موجود، قابل مشاهده است. در عین حال نمی‌توان ارتباط اصناف و پیشه‌وران با اهل فتوت، صوفیان، اسماعیلیان و اخوان الصفا را نادیده گرفت.

بررسی زمینه‌های شکل گرفتن اصناف و کارکرد های اجتماعی و فرهنگی آنها در سده های نخستین اسلامی در ایران محورهای اصلی پژوهش حاضر است. فرضیهٔ پژوهش این است که نخستین تشکیلات اصناف و پیشه‌وران در تاریخ ایران بعد از اسلام در قالب تشکیلات و ترتیبات گروه‌هایی مانند عیاران و جوانمردان بود، و اصناف در تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زمان خود نقش مهم و تأثیرگذاری داشتند. روش به کار رفته در این پژوهش، روش تحقیق تاریخی با استفاده از تکنیک توصیفی – تحلیلی است.

اصناف، جمع صنف، به معنای گونه و نوع، در اصطلاح به دسته‌های مستقلی از پیشه‌وران گفته می‌شود که فعالیت مشابهی دارند.^۱ واژهٔ اصناف در متون قدیم نیز به همین معنا به کار رفته است. عتبی، مورخ دورهٔ

غزنوی (۳۸۸– ۴۳۱ق/ ۹۹۸– ۱۰۴۰م) در بحث در بارهٔ مسجد غزنه، از اصناف آن شهر هم سخن به میان آورده است.^۲ صاحبان اصناف در جامعهٔ اسلامی به ”اصحاب مهَن“ و ”اصحاف حَرَف“ و ”ارباب مهَن و حرف“ هم معروف و مشهور بودند.^۳ در بحث از اصناف و پیشه‌وران در نخستین حاکمیت های ایران پس از اسلام می‌بایست پیشینه و سابقه آن را مورد توجه و بررسی قرار داد. پیشه‌وران در دورهٔ ساسانیان (۲۲۶–۶۵۲م) نیروی بسیار مهم و بافرهنگی به شمار می‌رفتند^۴ و گروه کثیری از آن‌ها مسیحی بودند.^۵ شاپور اول ساسانی (۲۴۱–۲۷۲م) پیشه‌وران بسیاری از اسیران و اتباع کشورش گرد آورد و آن‌ها را در کارگاه ویژه‌ای در دربار به کار گماشت. او کنار کاخ خود در کرخ لدن (نام سربانی ایرانشهر، شهری در خوزستان نزدیک شوش) کارگاهی ترتیب داد. پیشه‌وران در گونه‌ای مجتمع، یا کارگاه، گرد آمدند. در رأس هر گروه محترفه (حرفه‌مندان) استادان یا پیش کسوتانی قرار داشتند.^۶ در نوشته‌ای کلیسایی، به تاریخ ۵۴۴م، امضای رئیس محترفه یا پیش کسوت دیده می‌شود که در متن سربانی به صورت پارسی آن کروگبد (qarugbed) آمده است. کروگبد رئیس پیشه‌وران یا محترفه بود که در رأس کارگاه‌ها قرار داشت.^۷ از سازمان پیشه‌وران در دورهٔ ساسانی اطلاعاتی در دست نداریم، و از این رو، بررسی چگونگی انتقال سازمان‌ها و تشکیلات آن‌ها به دوران پس از اسلام و ارتباط میان آن‌ها با مشکل رویه‌روست. پژوهش گران می‌نویسند که تشکیلات پیشه‌وری اسلامی از تشکیلات سرزمین‌های مفتوح تأثیر پذیرفت، و نیازمندی‌های جدید جامعهٔ اسلامی بدان افزوده شد، و در نتیجه، اصناف اسلامی پدید آمد.^۸

پس از فتح ایران به دست اعراب و به هنگام فرمانروایی ایشان بر کشور، افراد دارای حرفه و پیشه مشابه در یک محله و یک راسته به کار اشتغال داشتند، همانند شهرهای روم شرقی (بیزانس)^۹. بعضی عقیده دارند که اصناف اسلامی از آغاز ویژگی‌های تازه‌ای داشت که پیش از آن سابقه نداشت. اگر چه آن‌ها صرفاً احیای اصناف قدیم محلی بیزانس و ساسانی نبود، بدون شک از آن‌ها تأثیر گرفته بود.^{۱۰}

^۱ مهدی کیوانی، ”اصناف“، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹)، جلد ۹، ۲۷۱؛ نیز نک: لویی ماسینیون، ”الصف،“ ترجمهٔ ابوریذه، دائرةالمعارف الاسلامیه (تهران: انتشارات جهان، بی تا)، جلد ۱۴، ۳۵۴–۳۵۶.

^۲ ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی، ترجمهٔ تاریخ یمنی، چاپ ۳، به کوشش جعفر شعار (چاپ ۳، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ش)، ۳۸۶؛ نیز نک: صباح ابراهیم سعید شیخلی، اصناف در عصر عباسی، ترجمهٔ هادی عالم زاده (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲)، ۵۱، ۵۲.

^۳ شیخلی، اصناف، ۵۲.

^۴ پیگولوسکایا، ن، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، چاپ ۲، ترجمهٔ عنایت الله رضا (چاپ ۲، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲ش)، ۳۴۲.

^۵ پیگولوسکایا، شهرهای ایران، ۳۴۶.

^۶ پیگولوسکایا، شهرهای ایران، ۳۱۳.

^۷ پیگولوسکایا، شهرهای ایران، ۳۱۵. برای اطلاعات بیش‌تر در بارهٔ گروه‌های پیشه‌وران و اصناف در دورهٔ ساسانیان، نک: پیگولوسکایا، شهرهای ایران، ۳۱۱–۳۸۲.

^۸ شیخلی، اصناف، ۵۶.

^۹ پیگولوسکایا، شهرهای ایران، ۳۱۴.

^{۱۰} شیخلی، اصناف، ۵۵.

نخستین تشکیلات اصناف و پیشه‌وران در حکومت‌های اسلامی، در قالب تشکیلات و ترتیبات گروه‌هایی مانند عیاران و جوانمردان بود. در آن دوره اهل فتوت، جوانمردان و عیاران تشکیلات، ترتیبات و الگوهای پذیرفته شده‌ای داشتند که از آن تبعیت می‌کردند و در کنار حرفهٔ خود به رفع مظالم و ستم‌های موجود در جامعه و دستگیری از ضعفا و تهیدستان می‌پرداختند.

آن‌چه در تاریخ اجتماعی ایران به عنوان آیین جوانمردی و گاه فتوت خوانده می‌شود شیوه‌ای از حیات روحی است که ریشه‌های تاریخی و جغرافیایی آن را هیچ کس تاکنون به کمال نتوانسته است مورد پژوهش علمی قرار دهد.^{۱۱} در بارهٔ فتوت و جوانمردی و آئین آن، در کتبی مانند نفائس الفنون شمس الدین محمد آملی (وفات ۷۵۰ق)، به موارد چندی اشاره شده است. در این کتاب دوری از هوی و هوس، پیروی از اصول انسانیت و شرافت، رسیدگی به اقربا، ضعفا و تهیدستان، مشفق و ناصح خلق خدا در مصالح دین و دنیا، تلاش در کسب کمالات، از جمله ویژگی‌های فتیان و جوانمردان دانسته شده است.^{۱۲} همچنین آملی، مبانی واصول فتوت را در موارد ذیل عنوان می‌کند: وفا و راستی، بخشش، تواضع، نصیحت، هدایت، توبه و غیره.^{۱۳}

عیاران، جوانمردان و فتوتیان از گروه‌های مشخصی بودند که در فاصلهٔ سده‌های ۳–۶ق/۹–۱۲م هم در عراق و هم در ایران فعالیت داشتند. آن‌چه شایان توجه است این‌که در سده‌های نخستین و میانهٔ اسلامی، گروه‌هایی از عیاران، جوانمردان و فتیان به مسائل، دگرگونی‌ها و جریان‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عصر خود توجه نموده و در بعضی از آن مسائل و جریان‌ها نقش مهمی را ایفاء کردند.^{۱۴}

می‌توان اتصاف به ویژگی‌های جوانمردی و فتوت را از اصلی‌ترین گرایش‌های اصناف و پیشه‌وران در این دوره عنوان کرد. از فتوت نامه‌هایی که در دست است می‌توان دریافت که بسیاری از پیشه‌وران خود از جوانمردان بودند و از این رو در تشکیلات جوانمردان فعالیت داشتند. از همین رو ست که در این متون بخشی

به آئین و آداب پیشه‌ها و طریق داد و ستد اختصاص یافته است.^{۱۵}

عیاران و جوانمردان سلسله مراتبی داشتند و به ترتیب اهمیت، رؤسای خود را امیر، قائد، نقیب و عریف می‌نامیدند. همین سلسله مراتب و ترتیبات در تشکیلات اصناف و پیشه‌وران هم به چشم می‌خورد. در رسالات حسبۀ قرن ۶ق/۱۲م، از قدیم‌ترین متون در بارهٔ اصناف پیشه‌ور، به رؤسای کسبه مانند عریف، امین و مقدم، و نیز اجرای فرمان‌های محتسب از سوی محترفه، اشاره شده است.^{۱۶} در سده‌های ۳ و ۴ق ظاهراً عیاران دو مرکز عمده داشتند: یکی بغداد و دیگری خراسان. عیاران خراسان پیش‌تر در سیستان و نیشابور می‌زیستند. از تشکیلات آن‌ها اطلاعات مفصل و دقیقی در دست نداریم، ولی به احتمال قریب به یقین، تشکیلات نسبتاً منظمی داشتند و به رؤسای خود سرهنگ و نقیب می‌گفتند.^{۱۷} خاندان صفاریان (۲۴۷–۳۹۳ق/۸۶۱–۱۰۰۳م) از طریق پیوستن به همین گروه‌های عیار در سیستان شهرت و معروفیت کسب کردند و به قدرت رسیدند.^{۱۸}

در این دوره می‌توان از ارتباط و مناسبات میان اهل تصوف و گروه‌های منسوب به آن، با اصناف و پیشه‌وران یاد کرد. گرایش‌های صوفیانه به عنوان یکی از گرایش‌های اصناف و پیشه‌وران، گروه‌هایی از آن‌ها را به سوی خود می‌کشاند. به این سبب اصناف و پیشه‌وران از مریدان اهل تصوف و عرفان به شمار می‌رفتند. برای مثال، می‌توان به ارتباط میان ابوسعید ابی‌الخیر (۳۵۷–۴۴۰ق/۹۶۸–۱۰۴۸م)، صوفی معروف و مهم سدهٔ ۴ و ۵ق، با برخی از صاحبان حرف و پیشه اشاره کرد.^{۱۹} کرامات ابوسعید ابی‌الخیر پیروان بسیاری را از میان طبقات اداری غزنوی، اعیان شهری، بازرگانان، دکان داران و پیشه‌وران بزرگ به سوی او کشانید. او اعانات زیادی را از طبقات مختلف، از جمله بازرگانان ثروتمند، دریافت می‌کرد.^{۲۰}

در واقع ارتباط دوسویه‌ای میان گروه‌های مختلف صوفیه و پیشه‌وران وجود داشت. گروه‌هایی از اصناف

^[1] علی اصغر فقیهی، آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر (تهران: صبا، ۱۳۵۷)، ۵۶۵.

^[2] تاریخ سیستان، به کوشش محمدتقی بهار (تهران: معین، ۱۳۸۱)، ۳۲۹، که در آن به عیاران خراسان و سیستان و نام تنی چند از آن‌ها اشاره شده است.

^[3] ابوسعید ابی‌الخیر، اسرارالتوحید، چاپ ۵، بخش اول، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمد رضا شفیعی کدکنی (تهران: آگاه، ۱۳۸۱)، ۶۴–۹۶؛ ۹۹–۱۰۳و ۱۳۲.

^[4] ادموند کلیفورد باسورث، تاریخ غزنویان، چاپ ۲، ترجمه حسن انوشه (تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸)، ۱۹۲و ۱۹۳.

^[5] باسورث، تاریخ غزنویان، ۱۸۷و نک: شفیعی کدکنی، قلندریه در تاریخ، ۲۱–۲۳. در باره کرامیان، آیین آنها و گسترش تبلیغاتشان در دوره غزنوی نک: جرفادقانی، ترجمه تاریخ یمینی،

و پیشه‌وران مریدان صوفیان به شمار می‌رفتند و برای تبلیغ و گسترش آرای صوفیه بازوان قابل اعتمادی به حساب می‌آمدند. از سوی دیگر، اصناف و پیشه‌وران از طریق صوفیان و مراکز تبلیغ و دعوت آن‌ها، مانند زاویه و خانقاه، به تشکل و سازمان‌دهی صنفی برنامه‌های خود می‌پرداختند و می‌توانستند در مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حضوری نسبتاً مؤثری داشته باشند.

یکی از فرقه‌های مذهبی مهم این دوره، فرقهٔ کرامیه بود. سده‌های ۴ و ۵ق اوج فعالیت و قدرت این فرقه بود که در خراسان و به ویژه در نیشابور نشو و نما یافته بود. با وجود برخورداری فرقهٔ کرامیه از ویژگی‌های تصوف، اما فرقه‌ای بسیار فعال و در مسائل و جریان‌های سیاسی و اجتماعی نقش مهم و مؤثری داشت. موسس این فرقه، ابو عبدالله محمد بن کرام السجری نیشابوری (وفات ۲۵۵ق/۸۶۹م) است. او در سیستان به دنیا آمد، اما تحصیلات خود را در نیشابور تمام کرد و بیش‌تر ایام عمرش را در آن شهر به سر برد.^{۲۱} مذهب محمد بن کرام نیشابوری به عنوان یکی از مذاهب مهم آن دوره، در بخش‌هایی از خراسان و ماوراءالنهر طرفداران بسیاری یافت. از جمله گروه‌های طرفدار آن را می‌توان در میان برخی از صاحبان اصناف و پیشه دید. بافندگان و دیگر صاحبان حرف در میان طرفداران این فرقه مذهبی دیده می‌شدند.^{۲۲}

میان بعضی از تشکیلات، رسوم و سنت‌های صوفیه و فتوتیان با تشکیلات، رسوم و سنت‌های اصناف و پیشه‌وران پیوستگی‌ها و ارتباط‌هایی دیده می‌شود. افکار صوفیان بر اصناف و پیشه‌وران تأثیرات بسیاری گذاشت، و بسیاری از اندیشه‌های صوفیانه میان آن‌ها رسوخ کرد. درجات شیخ، استاد و شاگرد در هر دو گروه دیده می‌شود.^{۲۳} مراسمی که هنگام پیوستن افراد به متصوفه به‌جا می‌آمد، در میان اصناف اسلامی هم به چشم می‌خورد.^{۲۴} بعضی مراسم فتوتیان و صوفیان،

^[1] ۳۹۲–۴۰۱.

^[2] محمد رضا شفیعی کدکنی، ”روابط شیخ جام با کرامیان عصر خویش“، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران، سال ۲، شماره ۸–۶ (پاییز ۱۳۷۳/بهار ۱۳۷۴)، ۲۹–۵۰؛ باسورث، تاریخ غزنویان، ۱۸۷.

^[3] نک: شیخلی، اصناف، ۳۶.

^[4] شیخلی، اصناف، ۳۶.

^[5] نک: کیوانی، ”اصناف“، ۲۷۲؛ نیز نک: لویی ماسینیون، ”الشد،“ ترجمهٔ ابوریده، در دائرةالمعارف الاسلامیه (تهران: جهان، بی تا)، جلد ۱۳، ۱۷۹–۱۸۱. در باره شد و بستن سراویل در میان متصوفه نک: آملی، نفائس الفنون، ۱۲۱؛ کاشفی سبزواری، فتوت نامه سلطانی، ۱۰۲–۱۲۷.

^[6] شیخلی، اصناف، ۹۰.

^[7] شیخلی، اصناف، ۳۶.

^[8] فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه (می رساله)، مقدمه، تصحیح و توضیح: مهران افشاری (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲).

^[9] فتوت‌نامه‌ها، ۴۳.

^[10] فتوت‌نامه‌ها، ۵۳.

^[11] کاشفی سبزواری، فتوت نامهٔ سلطانی، ۲۶۰–۲۶۲.

^[12] نک: کیوانی، ”اصناف“، ۲۷۲؛ شیخلی، اصناف، ۳۰–۳۱.

^[13] ماسینیون، ”الصفن“، ۳۵۴.

در جامعهٔ اسلامی نفوذ شدیدی اعمال کند و اثر ژرفی بر آن‌ها بگذارد.^{۳۶} خواجه نظام الملک طوسی هم در سیاست‌نامه، در بارهٔ دعوت قرمطیان و گسترش تبلیغات ایشان در میان اصناف و کسبه و پیشه‌وران خراسان مطالبی عنوان کرده است.^{۳۷} به نوشتهٔ ناصر خسرو، قرمطیان در لحسا در میان پیشه‌وران نفوذ کرده بودند و از آنان پشتیبانی می‌کردند، تا جایی که: *”و هر غریب که بدان شهر افتد، و صنعتی داند، چندان که کفاف او باشد، مایه بدادندی تا او اسباب و آلتی که در صنعت او به کار آید بخیریدی، به مراد خود زر ایشان همان قدر که سنده بودی بازدادی.”*^{۳۸} مسلم است که قرمطیان برای جذب و متمایل کردن گروه‌های اصناف و پیشه‌وران به سوی خود به این اقدامات دست می‌زدند.

فرهاد دفتری اگرچه از ارتباط میان اصناف و پیشه‌وران با گروه‌های اسماعیلی مواردی را یادآور می‌شود، ولی این احتمال را رد می‌کند که اصناف و پیشه‌وران از طریق اسماعیلیان و تبلیغات آن‌ها به وجود آمده باشند. او معتقد است داعیان اسماعیلی به بسیاری از نقاط فرستاده می‌شدند و طبقات مختلف اجتماعی مختلفی را به سوی خود جلب می‌کردند و طبیعتاً در این میان بخشی از طرفداران آن‌ها در میان صاحبان اصناف و پیشه‌وران متعدد بود، ولی پیروزی‌های اسماعیلیان، به ویژه در مراحل اولیه، در محیط‌های کم‌تر شهرنشین شده و دور از مراکز حیاتی اداری دستگاه خلافت، بیش‌تر بود. کارگران شهری و پیشه‌وران معمولاً به آن‌ها نمی‌پیوستند. شاید به این سبب که این طبقات، داعیان اسماعیلی را آن کسانی نمی‌دیدند که منافع آن‌ها را به کرسی قبول بنشانند. دعوت اسماعیلیه نخستین، بیش‌تر به کشاورزان و روستائیان و اعراب بدوی توجه داشت و به حمایت و پشتیبانی آن‌ها متکی بود. در نتیجه، ملاحظه می‌شود که نهضت اسماعیلی تا دوره‌های بعد، در مناطق شهری نفوذ واقعی به هم نرسانید. بنابراین، اسماعیلیان نمی‌توانستند در ایجاد اصناف و پیشه‌وران نقشی داشته باشند.^{۳۷}

به طور قطع نمی‌توان گفت که پیدایش اصناف، به گروه‌های اسماعیلی و تبلیغات ایشان در میان مردم مربوط باشد. می‌توان گفت که اصناف اسلامی در نهضت اسماعیلیان قرمطی نفسی تازه کرد و به سوی تحقق آرمان‌هایش راهی جست. نهضت اسماعیلیه هم در راه انتشار تعلیمات و محقق ساختن اهداف خود، از اصناف و پیشه‌وران بهره گرفت و این از عواملی بود که به تطور و تکامل اصناف کمک کرد.^{۳۸}

و اما ارتباط اخوان الصفا و انجمنشان با اصناف و پیشه‌وران جای بحث و گفت‌وگو دارد. اخوان الصفا گروهی بودند که در قرن ۴ق در جامعهٔ عربی اسلامی ظهور کردند و از طریق ایجاد انجمن‌هایی در سراسر سرزمین‌های جهان اسلام برای جذب کردن یاران کوشیدند. این انجمن‌ها نظامی سلسله مراتبی و شریطی خاص در نحوهٔ عضویت داشت.^{۳۹} گروهی از اهل حرف، پیشه‌وران و صاحبان اصناف عضو انجمن اخوان الصفا بودند و این نکته از رسائل اخوان الصفا معلوم می‌شود. از ۵۱ رسالهٔ ایشان، یک رساله به مسائل و مباحث اهل حرف و پیشه اختصاص یافته است.^{۴۰} از مسائل و مطالب قابل بررسی و توجه در ایجاد، رشد و پیشرفت اصناف و گروه‌های پیشه‌وران در جامعهٔ اسلامی، رشد و رونق شهرهای عربی– اسلامی و تکامل آن‌ها بود. گروه‌های اصناف و پیشه‌وران همپای رشد و رونق شهرها و مراکز بازرگانی، روی به گسترش و تکامل نهاد، و البته رشد و رونق اصناف و پیشه‌وران هم در رونق و شکوفایی شهرها نقش مهمی داشت. شهرهای ایران در سال‌های نخستین و میانهٔ اسلامی، الگویی از شهرهای ایران در دوران باستان به شمار می‌رفت و معمولاً از سه بخش کهندژ، شارستان و ربض تشکیل می‌شد.^{۴۱} کهندژ، بخش حکومتی و محل حاکم و برخی از نهادهای حکومتی بود. محل آن عموماً وسط شهر و روی تپه‌ای طبیعی و گاه به ندرت روی تپه‌ای از خاکریز ساخته می‌شد و از نظر دفاعی در وضع خوبی قرار داشت. در شهرهایی مانند نیشابور، کهندژ خارج از

^[1] با حواشی و یادداشت‌ها و اشارات و تصحیح محمد قزوینی، تصحیح مجدد و تعلیقات و مقدمه، به کوشش مرتضی چهاردهی (چاپ ۲، تهران: زوار، ۱۳۴۴)، ۲۳۹.

^[2] ناصرخسرو، سفرنامه، با حواشی و تعلیقات و فهراس اعلام تاریخی و جغرافیایی و لغات، به کوشش محمد دبیر سیاقی (تهران: زوار، ۱۳۵۴)، ۱۴۸–۱۴۹.

^[3] فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ۱۴۵–۱۴۷.

^[4] شیخلی، اصناف، ۳۳.

^[5] شیخلی، اصناف، ۳۴؛ نیز نک: رسائل اخوان الصفا و خلان الوفاء، به کوشش البیر نصری نادر (بیروت: ۱۹۶۳م).

^[6] نک: رسائل اخوان الصفا شیخلی،اصناف، ۳۴– ۳۵.

^[7] ابواسحق ابراهیم اصطخری، مسالک و ممالک، چاپ ۳، به کوشش ایرج افشار (چاپ ۳، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۳۸)، ۱۹۲؛

شهر قرار داشت. شارستان، یا شهرستان، به بخش اصلی شهر، که محل زندگی مردم بود، اطلاق می‌شد. در هر شهری در آغاز مسجد جامع و بازار و برخی از بناهای حکومتی در شارستان شکل می‌گرفت. مزارع و باغات و روستاها، در حومهٔ شهر بود که به آن رَیض می‌گفتند.^{۴۲} در دورهٔ رشد سریع شهرها، بسیار اتفاق می‌افتاد که ربض اهمیت می‌یافت و بازار و مسجد جامع، و در مواردی چند دارالحکومه در آن بنا می‌شد. گاه شارستان رو به ویرانی می‌رفت، در حالی که ربض در سطح بسیار خوبی از رونق و وفور داد و سند قرار داشت.^{۴۳} با توسعهٔ شهرهای اسلامی از سدهٔ ۳ق به بعد، شرایط لازم برای احداث بازار و تجمع صاحبان حرف، صنایع و پیشه‌وران در اماکن مخصوص ایشان، یعنی راسته‌ها، فراهم گردید. صاحبان حرف و صنایع در شهرهای ایران مانند ری، اصفهان، شیراز، رامهرمز، اهواز، شوشتر، نیشابور، بخارا و نظایر آن، به فعالیت اشتغال داشتند. در تاریخ بخارای نرشخی در بارهٔ بازارهای بخارا و افزایش اصناف و پیشه‌وران در سدهٔ ۳ق مطالب فراوانی می‌توان یافت.^{۴۴} در سفرنامهٔ ناصر خسرو هم در خصوص بازار اصفهان و رونق آن و صاحبان اصناف و پیشه‌وران در سدهٔ ۵ق شرح جالب توجهی آمده است.^{۴۵}

هر صنفی، راسته‌ای خاص خود داشت که مشاغل و صنف‌های دیگر در آن راه نداشتند، و آن بخش از بازار معمولاً به نام آن صنف مشهور می‌شد، مانند بازار کفاشان، بازار مسگران، و غیره.^{۴۶} تخصصی شدن بخش‌های مختلف بازار و اختصاص یافتن آن به اصناف و پیشه‌های خاص را به بهترین وجه، در تنظیم بازارهای شهر بغداد می‌توان دید. بازارهای کرخ بغداد براساس جای گرفتن هر صنف در یک بازار مرتب شده بود.^{۴۷} شهرهای اسلامی رفته رفته از بغداد الهام گرفتند و به تخصصی شدن اصناف و پیشه‌وران در راسته‌های جداگانه روی آوردند. این بطوطه، سیاح و جهانگرد معروف قرن ۸ق، هنگامی که درباره بازارهای شیراز سخن می‌گوید به تخصصی شدن اصناف و پیشه‌وران

^[1] ناصرخسرو، سفرنامه، ۱۲.

^[2] حسین سلطان‌زاده، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی (تهران: آگاه، ۱۳۶۲)، ۱۳۴.

^[3] سلطان‌زاده، روند شکل‌گیری، ۱۳۴.

^[4] ابوبکر محمد بن جعفرنرشخی، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمدبن محمدبن نصرالقیاوی، تلخیص محمدبن زفرین عمر، تصحیح و تحشیهٔ مدرس رضوی (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱)، ۲۸، ۲۹، ۷۵.

^[5] ناصرخسرو، سفرنامه، ۱۶۶.

^[6] سلطان‌زاده، روند شکل‌گیری، ۱۲۶.

^[7] شیخلی، اصناف، ۵۷.

^[8] ابن بطوطه، سفرنامه، ترجمهٔ محمدعلی موحد (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷)، ۱۹۴. ابن بطوطه در همانجا در ادامه می‌افزاید

در راسته‌های مخصوص اشاره می‌کند. او ضمن سخن از نظم و ترتیب حاکم بر بازارهای شیراز، در ادامه می‌گوید که هر یک از اصناف و پیشه‌وران در بازار جداگانه‌ای متمرکز هستند و از افراد صنف‌های دیگر در میان آنان داخل نمی‌شوند.^{۴۸} اهمیت اصناف اسلامی تا آن‌جا بوده است که طرح شهر خیلی اوقات برحسب نیازهای پیشه‌وران تهیه می‌شد.^{۴۹} از سدهٔ ۳ق به تدریج اصناف و پیشه‌وران در ممالک و شهرهای شرق اسلامی، مانند بخش‌های غربی، روی به گسترش و فزونی نهاد. در شهرهای مختلف خراسان، از جمله نیشابور، از صاحبان اصناف بافندگان و جولاهان نام برده شده است.^{۵۰} حتی برخی از زنان نیز به امور پیشه‌وری اشتغال داشتند. در نیشابور حجره‌هایی وجود داشت که به پیر زنان متعلق بود و آن‌ها در آن‌جا به کار مشغول بودند.^{۵۱} ابوالفضل بیهقی می‌گوید که در دورهٔ سلطان محمود غزنوی (۳۸۸–۴۲۱ق/ ۹۹۸–۱۰۳۰م) و پسرش مسعود غزنوی (۴۲۱–۴۳۱ق/ ۱۰۳۰–۱۰۴۰م) یکی از کدخدایان غزنین به نام مانک بن میمون، کارگاه تولید آچار و کرباس داشت و شماری از زنان در کارگاه او به کار مشغول بودند.^{۵۲} رونق بازرگانی و تجارت در خراسان و شهرهای آن، از رونق فعالیت اصناف و پیشه‌وران در سدهٔ ۴ق نشان داشت. مقدسی جغرافیادان معروف قرن ۴ق که کتابش– احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم– را حدود ۳۷۵ق/ ۹۸۵م تألیف کرده است، در دیدارش از خراسان و شهرهای آن به اصناف و پیشه‌وران و فعالیت آن‌ها پرداخته است.^{۵۳}

خراسان در نیمهٔ دوم سدهٔ ۴ق مرکز جهانی داد و ستد، میعادگاه بازرگانان عراق و مصر، بارانداز خوارزم، ری و گرگان و مرکز توزیع کالا به فارس، سند و کرمان بود. در شهرهای آن، صنایع کارگاهی و پیشه‌وری وجود داشت و ارباب حرف و صنعت‌گران در آن‌جا به فعالیت مشغول بودند.^{۵۴} کارگاه‌های پیشه‌وری نیشابور در زمینهٔ منسوجات و پارچه‌بافی از صنایع پر اهمیت در عالم

^[1] که در مشرق زمین هیچ شهری از لحاظ زیبایی بازارها به پایه دمشق نمی‌رسد مگر شیراز. برای مثال او از بازار میوه فروشان شیراز نام می‌برد و می‌نویسد که آنرا یکی از زیباترین بازارها دیده است که حتی از باب البرید دمشق نیز زیباتر بود.

^[2] نک: شیخلی،اصناف، ۲۱.

^[3] ابوسعید ابی الخیر، اسرار التوحید، ۱۸۴.

^[4] ابوسعید ابی الخیر، اسرار التوحید، ۲۰۹–۲۱۰.

^[5] ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، تاریخ بیهقی، به کوشش قاسم غنی و علی اکبر فیاض (چاپ ۴، تهران: خواجه، ۱۳۷۰)، ۱۲۸–۱۲۹.

^[6] ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی (چاپ ۱، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱)، بخش ۲، ۴۷۴–۴۷۵.

^[7] باسورث، تاریخ غزنویان، ۱۵۱.

اسلام به شمار می‌رفت.^{۵۵} پیشه‌ورانی نظیر کلاه‌گران، کفش‌گران، چرم‌سازان، ریسمان‌گران و بزازان در راسته‌های خود مشغول به فعالیت بودند.^{۵۶} ابن حوقل (قرن ۴ق) از بازارهای اصفهان و مدت برپایی آن‌ها شرحی به دست داده است. او می‌نویسد که در اصفهان بازارهایی بود که به مدت هفت روز مردم در عید نوروز در آن گرد می‌آمدند و به عیش و نوش و تفریح می‌پرداختند.^{۵۷} در آن دوران رونق بعضی بازارها و اصناف موجود در آن به قدری بود که ناصر خسرو می‌نویسد: در ۴۴۴ق در راستهٔ بازار صرافان در اصفهان ۲۰۰ دکان صرافی وجود داشت.^{۵۸} در این دوران گذشته از فعالیت و تلاش اصناف و پیشه‌وران در بازار، در کاروانسراها نیز حجره و دکان بود. در اصفهان کوچه‌ای بود به نام کوطراز، در آن ۵۰ کاروانسرای نیکو بود که در هر یک از آن‌ها فروشندهگان و حجره‌داران بسیاری بودند.^{۵۹}

عسددالدوله “فنا خسرو” (۳۳۸–۳۷۳ق/۹۴۹–۹۸۳م) در نیم فرسنگی شیراز شهری به نام کرد فناخسرو بنا کرد و پشم‌ریسان و بافندگان خز و دیبا و همهٔ گلیم‌بافان را به آن‌جا برد و ایشان در آن‌جا به فعالیت مشغول بودند.^{۶۰}

شهرهای خوزستان از سده‌های نخست اسلامی هر یک به تولید و ساخت انواع و اقسام پارچه‌ها و منسوجات اختصاص داشت. بزرگ‌ترین کارگاه‌های حریربافی آن عصر در خوزستان بود. و انواع حریر، از قبیل دیبا و خز و پرده‌های گوناگون، در آن تولید می‌شد.^{۶۱} رامهرمز دارای بازارها و کارگاه‌های پیشه‌وران بود و در آن انواع و اقسام پارچه‌ها و منسوجات بافته می‌شد.^{۶۲} در کتاب آیین شهرداری نوشتهٔ ابن اخوه، از پیشه‌وران و صاحب اصناف بسیاری نام برده شده است که در آن زمان به فعالیت مشغول بودند: بزازان، خیاطان، گازران، حریربافان، رنگ‌رزان، پنبه‌فروشان، صرافان، زرگران، مس‌گران، کفش‌گران، سفال‌گران^{۶۳} و غیره. از صاحبان اصناف و پیشه‌های سفال‌گری، فلزکاری، شیشه‌گری، نساجی، کاغذسازی، قالی‌بافی، کاشی‌کاری، کوزه‌گری، صحافی، وراقی، آهنگری و عطاری هم نام برده شده است.^{۶۴}

اهمیت اصناف و پیشه‌وران در آن دوران به قدری بود که در کتاب‌های ادبی هم فصل‌هایی به وظایف، عملکردها و آداب و آیین ایشان اختصاص یافته است. عنصرالمعالی کیکاووس در قاپوس نامه فصولی را به آیین پیشه‌وری و آداب آن اختصاص داده است.^{۶۵} و اما تشکیلات اصناف و پیشه‌وران و امور صنفی و چگونگی ادارهٔ آن. رسیدگی به امور اصناف بر عهدهٔ رئیس هر صنف بود که از میان بزرگان آن صنف انتخاب می‌شد. هر دسته از پیشه‌وران اصفهان رئیس و پیش‌کسوتی برای خود انتخاب می‌کردند که او را “کلو” می‌نامیدند.^{۶۶} او به مثابه رابط میان دولت و اصناف، و

مسئول جمع‌آوری مالیات و توزیع کالاها و رسیدگی به سایر امور مربوط بود.^{۶۷} حکومت‌های اسلامی از قدیم‌ترین ایام از طریق دیوان حِسبه و محتسب، که در رأس این دیوان قرار داشت، بر امور اصناف و پیشه‌وران نظارت می‌کردند. دیوان حسبه برجسته‌ترین دستگاه رسمی بود که با تشکیلات اصناف رابطهٔ مستقیم داشت.^{۶۸} محتسب از سوی امام یا نایب وی برای نظارت در احوال رعیت و بازبینی کارها و مصالح آنان تعیین می‌شد.^{۶۹} معالم القربه فی احکام الحسبه، نوشتهٔ ابن اخوه، جامع‌ترین کتابی است که به محتسب و وظایف او پرداخته است. ابن اخوه کتاب خود را به ۷۰ باب تقسیم کرده است و در آن نزدیک به ۶۰ صنف را نام برده است. رسیدگی به امور اصناف و پیشه‌وران از مهم‌ترین وظایف محتسب بود. ابن اخوه در این باره چنین می‌نویسد:

”محتسب باید که همواره بازارها را مراقبت کند و هر زمان سوار شود و به بازاریان و فروشندهگان و دکان‌ها و راه‌ها و ترازوها و وزنه‌ها سرکشی کند و طرز معاش و خوراک و نیز تقلباتی را که می‌کنند بنگرد. شب یا روز، در اوقات مختلف به بازرسی پردازد و این کار را غفلتا انجام دهد. و اگر بازرسی بعضی از دکان‌ها به هنگام روز میسر نباشد در موقع شب مهر زند و با مداد به بازرسی پردازد. به هنگام بازرسی باید شخصی امین و کاردان و استوار و مقبول القول همراه او باشد، اما جز بدانچه برخود او آشکار شود اعتماد نکند، و نیز بازرسی بازارها را سست نگیرد.”^{۷۰}

در باب دوازدهم در بارهٔ وظیفهٔ محتسب در بابر نانوایان می‌نویسد:

”در حسبت بر نان‌پزان و نانوایان: باید که محتسب نان‌پزان و نانوایان را ملزم کند تا سقف تنور را بلند بسازند و دودکش‌های فراخ تعبیه کنند و نیز به هنگام تعمیر آتشخانه (دهنهٔ تنور) را جارو کنند و ظروف را

^[۵۵] باسورث، تاریخ غزنویان، ۱۵۲.

^[۵۶] باسورث، تاریخ غزنویان، ۱۵۹.

^[۵۷] ابن حوقل، صورة الأرض، ترجمة جعفر شعار (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵)، ۱۰۷.

^[۵۸] ناصرخسرو، سفرنامه، ۱۶۶.

^[۵۹] ناصرخسرو، سفرنامه، ۱۶۶.

^[۶۰] مقدسی، احسن التقاسیم، ۶۴۲.

^[۶۱] آدام متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم ق، چاپ ۳، ترجمة علیرضا ذکاوتی قراگزلو (چاپ ۳، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷)، ۵۰۱.

^[۶۲] مقدسی، احسن التقاسیم، ۶۱۷.

^[۶۳] محمد بن محمد ابن اخوه، آیین شهرداری، ترجمة جعفرشعار (چاپ ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب،۱۳۶۰)، ۷۴–۱۵۳.

^[۶۴] نک: محمد رضا ناجی، فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان (چاپ ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶)، ۴۰۰–۴۲۶.

بشویند و آب پاکیزه به کار برند و تغار خمیر را بشویند و تمیز کنند. و با حصیری که دارای دو چوب آویزان بر تُغار باشد، بپوشانند. و هرگز خمیرگیر به وسیلهٔ پاها و زانوان و آرنج‌های خود خمیر به عمل نیاورد، چه این کار خوار گرفتن طعام است و چه بسا از عرق بغل یا بدنش در خمیر می‌افتد. و نیز به هنگام خمیر گرفتن، جامه‌ای با آستین‌های تنگ پوشد و دهان بند داشته باشد، زیرا چه بسا به هنگام عطسه یا سخن گفتن، از آب دهان و یا بینی او در خمیر می‌افتد. و بر گریبانش دستاری سفید ببندد تا از قطرات عرق مانع باشد. . . و چون به هنگام روز خمیر گیرد، کسی را نزد خود بگمارد که مگس‌پران به دست گیرد و مگس‌ها را براند. . .

محتسب باید بداند که نانوایان چیزهایی به آرد می‌آمیزند، از قبیل زردچوبه و زعفران و مانند آن‌ها، تا نان گلی رنگ بماند و برخی نخود و باقلا می‌آمیزند. . . محتسب باید نانوایان را از پختن نان، پیش از عمل آمدن خمیر باز دارد، زیرا نان فطیر در ترازو سنگین و برای معده ثقیل است؛ و همچنین است در صورتی که نمک نان کم باشد. شایسته است که دانه‌های خوشبو از قبیل زیرهٔ سفید و سیاه‌دانه و کنجد و یانسون [انیسون] و مانند آن‌ها بر نان پاشند و نان را پس از آن‌که خوب پخته اما نسوخته باشد، از تنور درآورند.

بهتر است که محتسب بر هر دکانی روزانه سهمیهٔ معینی مقرر کند تا به هنگام کمیابی نان امور شهر مختل نشود، و باید که در پایان هر روز دکان‌های نانوائی را بازرسی کند و نگذارد کسی از کارگران در روی کیسه‌های آرد یا در محل خمیر گرفتن بخوابد. و دستور دهد کیسه‌ها را پس از تکان دادن و شستن بر طناب‌ها آویزند.^{۷۱}

شخصی که با محتسب برای بازرسی و امر به معروف و نهی از منکر همراه می‌شد، معاون او بود و عَرِیف نام داشت.^{۷۲} محتسب موظف بود که بر همهٔ صاحبان حرف

^[۶۵] عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندرقاپوس بن وشمگیر، قاپوس نامه، به کوشش غلامحسین یوسفی (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵)، ۲۴۱–۲۶۴.

^[۶۶] ابن بطوطه، سفرنامه، ۱۹۱.

^[۶۷] سلطان زاده، روند شکل گیری شهر، ۱۲۷.

^[۶۸] شیخلی،اصناف، ۱۱۷.

^[۶۹] ابن اخوه، آئین شهرداری، ۹.

^[۷۰] ابن اخوه، آئین شهرداری، ۲۰۶، ابن اخوه، آئین شهرداری، ۷۷.

^[۷۱] کیوانی، “اصناف”، ۲۷۶؛ نک: شیخلی، اصناف، ۱۲۰–۱۲۱.

^[۷۲] شیخلی، اصناف، ۱۱۸.

^[۷۳] خواجه نظام الملک طوسی، سیاست نامه، ۵۱.

^[۷۴] شیخلی، اصناف، ۱۲۵.

^[۷۵] شیخلی، اصناف، ۱۲۵.

^[۷۶] شیخلی، اصناف، ۱۲۵.

و مشاغل در شهر اسلامی نظارت داشته باشد.^{۷۳} در سیاست نامهٔ خواجه نظامالملک طوسی چنین می‌خوانیم: “به هر شهری محتسبی باید گماشتن تا ترازوها و نرخ‌ها راست دارد و خرید و فروخت‌ها نگاه می‌دارد تا اندر آن راستی رود. و در همهٔ چیزها، که از اطراف آرند و در بازارها فروشند، احتیاط تمام کند تا غشی و خیانتی نکنند. و سنگ‌ها راست دارند و امر معروف و نهی منکر به جای آرند. و پادشاه و گماشتگان پادشاه باید که دست او قوی دارند که یکی از قاعدهٔ مملکت و نتیجهٔ عقل این است. و اگر جز این کنند، درویشان در رنج افتند و مردم بازارها چنانکه خواهند فروشند و فضله خور مستولی شوند و فسق آشکار شود و کار شریعت بی رونق شود. و همیشه این کار را یکی از خواص فرمودندی خادمی را یا ترکی پیر را که هیچ محابا نکردی و خاص و عام از او بترسیدندی.”^{۷۴}

اصناف ایران اسلامی، به عنوان یکی از مظاهر زندگی اجتماعی ایرانیان مسلمان در قرون نخستین و میانهٔ اسلامی، در جامعه نقش مهمی را در زمینهٔ اقتصادی ایفا می‌کردند. آن‌ها نیازهای جامعه را می‌شناختند و قادر بودند در تعیین کردن کمیت و کیفیت کالاها، و حتی بهای آن‌ها، نقش مهمی داشته باشند.

یک صنف با هم بسیاری از اوقات بر نرخی واحد توافق می‌کردند و جز به آن نرخ نمی‌فروختند. حتی گاهی یک صنف با دوستان بازاری خود سازش و توافق می‌کردند و دست از کار می‌کشیدند تا کار بر مردم تنگ گردد و ناگزیر شوند به خواسته‌های آنان تن در دهند. بنابراین، ضرورت برقراری نظارت حاکمیت بر محدود ساختن قدرت اقتصادی اصناف در جامعه، از عوامل ایجاد نهاد حسبه بوده است.^{۷۵}

صنف، در بحران‌های اقتصادی نقش فعالی در حمایت از اعضای خود بر عهده می‌گرفت. در متون، اشارات بسیاری از ایستادگی اصناف در برابر حاکمیت، برای پشتیبانی از اعضای خود در رویارویی با ستم، به چشم می‌خورد.^{۷۶} اصناف در برابر مالیات‌هایی که حاکمیت وضع می‌کرد، بارها ایستادگی کردند.^{۷۷} در زمینهٔ سیاسی و فعالیت‌های سیاسی اصناف در آن دوره، باید گفت که اصناف و پیشه‌وران، گاهی اوقات، مخالفت‌های خود را با حاکمیت وقت در پیوستن و گرایش به گروه‌ها و جریان‌های مخالف آن روزگار، مانند اسماعیلیه یا اخوان الصفا نمایان می‌ساختند و از این راه در جریان‌های سیاسی و اجتماعی دورهٔ خود و پس از خود تأثیرات بس مهمی بر جای گذاردند. اصناف، هنگام بحران‌های سیاسی با انواع گرفتاری‌های ناشی از این تلاش‌ها و فعالیت‌ها بارها روبه‌رو شدند.

بازار، عرصه‌ای بود که مخالفان قدرت و حاکمیت سیاسی، یکی از پایه‌های نفوذ و تبلیغات خود را

گروه‌های اصناف و پیشه‌وران شکل گرفت، تا جایی که سازمان‌ها و تشکیلات آن‌ها به تدریج گسترش یافت و با گذشت زمان صورت متکامل‌تری به خود گرفت. اصناف و پیشه‌وران اسلامی، به عنوان یکی از مظاهر مهم زندگی اجتماعی مسلمانان، در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نقش مهمی داشتند.^{۷۸}

همواره در آن‌جا برقرار می‌ساختند. گردهمایی‌های سیاسی برای مبارزه با حاکمان ظالم و فاسد همواره از طریق و در محل بازار برگزار می‌شد.^{۷۸} اصناف، با شرکت در مراسم اجتماعی و فرهنگی و ملی، گذشته از آنکه حضور صنفی خود را در زمینه فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی به نمایش می‌گذاشتند، نیز حمایت خود را از مظاهر اجتماعی و فرهنگی جامعه اعلان می‌کردند. رسم پیشه‌وران بود که برای نشان دادن شرکت خود در سرور و شادمانی، در روزهای شادی، زینت‌ها و زیورها را در بازارها به تماشا بگذارند. پیشه‌وران در مراسم سوگواری شرکت می‌کردند و بازارها به مناسبت درگذشت رجال دولت یا مردانی بزرگ معمولاً به نشانه احترام بسته می‌شد. پیشه‌وران در مراسم عزاداری مذهبی، به‌ویژه عاشورا، شرکت می‌جستند. در روزهای تاسوعا و عاشورا، بازارها را می‌بستند و از فعالیت دست می‌کشیدند. و در جشن‌های غدیر خم و عید قربان مراسم شادی و سرور برپا می‌داشتند.^{۷۹} حجره‌های اصناف و پیشه‌وران معمولاً مکان بحث‌ها و گفت‌وگوهای بسیاری، از جمله بحث‌ها و گفت‌وگوهای فرهنگی و علمی هم بود.^{۸۰}

نتیجه: اصناف و پیشه‌وران و سازمان و تشکیلاتشان از دوره ساسانیان به عصر حاکمیت‌های ایران اسلامی انتقال یافت و به تدریج صورت متکامل‌تری به خود گرفت. میان تشکیلات، ترتیبات، رسوم و سنت‌های اصناف و پیشه‌وران، از یک سو، و میان تشکیلات، سازمان‌ها و رسوم و سنت‌های عیاران، فتیان، اسماعیلیه و اخوان الصفا، از سوی دیگر، مشابهت‌هایی وجود داشت، و این حاکی از رخنه و نفوذ گروه‌های عیاران، فتوتیان، اسماعیلیان و اخوان الصفا در میان اصناف و پیشه‌وران بوده که همواره گروه‌هایی از آن‌ها را به سوی خود جلب می‌کردند. همزمان با رشد و گسترش شهرنشینی و برقراری ثبات و آرامش در پرتو حکومت سامانیان، غزنویان، آل بویه و سلسله‌های دیگر، شاهد رشد و گسترش صنعت، تجارت و بازرگانی هستیم و در این میان حرفه‌ها و پیشه‌های گوناگونی در جامعه پدیدار شد. در آن دوران با نظارت‌های حکومتی، از یک سو، و با تنظیم برنامه‌ها و تألیف رسالاتی از سوی نویسندگان و صاحب نظران درباره اصناف و پیشه‌وران، از سوی دیگر، به تدریج تشکیلات و ترتیباتی در میان

^{۷۸} شیخی، اصناف ۱۲۶-۱۲۷.

^{۷۹} شیخی، اصناف ص ۱۲۸.

^{۸۰} شیخی، اصناف ۱۲۸.